

به نام خداوند بخشنده و مهربان

ریاست و مستشاران محترم دادگاه های تجدیدنظر استان .....

با سلام و تقدیم ادب ، احتراماً ؛

اینجانب میثم شفیعی به وکالت از خانم ..... نسبت به بخشی از دادنامه (ابطال ثبت واقع رجوع) به شماره ..... در پرونده به شماره ..... صادره از شعبه ..... دادگاه خانواده شهرستان ..... که در تاریخ ..... به موکله ابلاغ گردیده معترض می باشم و با توجه به اینکه قاضی محترم بدون توجه به دلایل ابرازی و نیز با توجه به اینکه رای صادره غیر مستند و غیر مستدل صادر گردیده است بر خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی می باشد لذا مستنداً به بندهای الف ، ج و ه ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای نقض رای و صدور حکم به بی حقی خواهان متمنی است .

مختصر ماقوع اینکه ؛

موکله در تاریخ ..... به صورت خلع نوبت اول از تجدیدنظر خوانده مطلقه می گردد و در قبال طلاق مهریه خود را بذل می نماید .

متعاقباً در تاریخ ..... موکله رجوع به مابذل می نماید و مهریه خود را نبیز از طریق اجرای ثبت مطالبه می نماید و اجراییه و ابلاغ رجوع زوجه نیز به آقای ..... به نحو واقعی ابلاغ می گردد .

متعاقباً نامبرده اقدام به طرح دعوی ابطال ثبت واقعه رجوع می نماید که متأسفانه رای معترض عنه صادر می گردد .

علی ایحال؛ رای صادره از جانب آن دادگاه محترم غیر مستند و غیر مستدل و بر خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی صادر گردیده که بنده مبسوطاً مراتب ذیل را در جهت نقض دادنامه معترض عنه خدمت شما به شرح ذیل معروض می دارم:

قاضی محترم صادر کننده رأی استدلال نموده اند که: "چون زوج از رجوع زوجه به نحو واقع مطلع نشده است من حیث المصموع دعوی خواهان (تجدیدنظرخوانده) را وارد برده" و با چنین استدلالی موجب تضييع حقوق مسلم موکله گردیده اند چرا که:

نخست اینکه:

رای بایستی مستند و مستدل صادر گردد که در مانحن فیه مسرور خواهیم شد که بدانیم قاضی محترم به استناد کدامین ماده و قانون که صریحاً قید گردیده باشد که ابلاغ رجوع زوجه باید واقعی باشد، دعوی تجدیدنظرخوانده را وارد دانسته اند - که مطمئناً چنین نبوده و نیست.

دوم اینکه:

نکته بسیار مهمی که قبل از استناد قانونی ذیل بایست خدمت شما والامقام عرض نمایم این است که ثبت رجوع از طلاق، توسط موکله قبل از تصویب قانون حمایت خانواده (یعنی مورخ ..... می باشد اما = تنها استناد مقرر در خصوص نحوه ابلاغ ثبت وقایع (از جمله رجوع) ماده ۶۵ آیین نامه اجرایی قانون حمایت مصوب ..... می باشد که در ماده فوق اشعار می دارد که:

« هرگاه سردفتر ازدواج و طلاق طبق قانون و آیین نامه یکس از وقایع موضوع قانون را بدون حضور یکس از طرفین ثبت کند مکلف است بلافاصله موضوع را کتبا به طرف دیگر ابلاغ کند »

در نتیجه با توجه به ماده ذکر شده ابلاغ را اعم از قانونی و واقعی تلقی نموده است و با توجه به عموم قانون آیین دادرسی مدنی ابلاغ چه به نحو قانونی و چه به نحو واقعی معتبر می باشد. پس در نتیجه استدلال قاضی محترم صحیح نبوده و صدور چنین رایى اساساً محکوم به نقض می باشد .

سوم اینکه ؛

صرف نظر از دفاعیات فوق و به فرض محال که استدلال قاضی محترم صحیح باشد ( که صحیح نمی باشد ) و نظر به ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی که اشعار می دارد : « رجوع در طلاق به هر لفظ یا فعل حاصل مرثوکه دلاست بر رجوع کند » که در خصوص این موضوع نیز همانگونه که بنده خدمت شما معروض داشتم ، علاوه بر اینکه رجوع زوجه به زوج ابلاغ گردید ، اجراییه مهریه نیز به زوج به نحو واقعی ابلاغ گردیده است ( گواهی های ابلاغ پیوست می باشد - پیوست شماره ۲۱ ) پس در نتیجه همانگونه که ماده ۱۱۴۹ قانون مدنی که رجوع به هر لفظ یا فعلی حاصل میشود و در نتیجه به موجب این عمل زوج نیز به نحو واقعی از رجوع موکله مطلع گردیده است به بیان دیگر رجوع او صاف خاص ندارد به قول و فعل محقق می گردد ، اعلان رجوع شرط رجوع نیست ( لطفاً رجوع کنید به الفارق - دکتر جعفری لنگرودی - چاپ سوم ۱۳۹۵ - ج ۳ - ص ۳۲۱ - طلاق رجعی )

چهارم اینکه ؛

قدرم مسلم این است که رجوع از ایقاعات است و رجوع عمل یکجانبه است و قائم به ترا ضی نیست ( لطفاً رجوع کنید به الفارق - دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی - چاپ سوم ۱۳۹۵ ، ج ۳ - ص ۳۴ ) و در نتیجه رجوع صحیحاً رخ داده و صحیحاً ثبت گردیده است و خدشه ای بر ارکان رجوع وارد نیامده است و در نتیجه رای صادره قطعاً قابل نقض می باشد که از شما والامقامان نقض دادنامه صادره و صدور حکم به بی حقی خواهان متمنی است .

با تجدید احترام